

مقدمه

۱. تعریف و تحدید موضوع

در میان زنان ایران معاصر پویایی در جریان است که برحسب واجد بودن عناصر مشترکی که در تعاریف مربوط به جنبش‌های اجتماعی جدید وجود دارد، می‌توان از آن به عنوان یک جنبش برای مشارکت طلبی سیاسی یاد نمود. جنبشی که غالباً با چالش زنان نسبت به نابرابری قوانین حقوقی و عرفی میان زنان و مردان و نیز مسائل مربوط به آنان در حوزه‌های مختلف زندگی سیاسی مشخص می‌شود. به هر حال اگر چه برحسب خصلت جوامع اطلاعاتی و انتشار سریع اندیشه‌ها و الگوهای زندگی در جهان امروز، نمی‌توان تأثیر نهضت‌های فمینیستی را بر پویای زنان ایران نادیده انگاشت، اما خصایل بی‌بدیل و خاص حاکم بر غالب تفکرات و حرکات زنان جامعه ما، که منبعث از شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی جامعه ماست، این جنبش را از نهضت‌های جاری جهانی زنان متمایز می‌سازد.

مروری بر نقش زنان در طول تاریخ مکتوب ایران نشان می‌دهد که همیشه زنان، جویای مشارکت و فعالیت سیاسی بوده‌اند، نمونه‌های آن را با ورق‌زدن صفحه‌های کتاب تاریخ کشورمان می‌توان یافت. برخی از این موارد را در عهدسلطنت قاجاریان، در طول انقلاب مشروطه، در دوران پهلوی‌ها، با تأسیس سازمان‌ها و انجمن‌های مستقل زنان، خارج از حاکمیت دولت و در دوره به حکومت رسیدن جمهوری اسلامی شاهد هستیم. آمار دسترسی زنان به آموزش و موفقیت‌های دختران محصل در کنکور دانشگاه‌ها، تعداد روزافزون زنان نویسنده و هنرمند، شمار روز افزون اجتماعات آن‌ها برای دفاع از حقوق برابر و تأثیر رأی زنان در فرآیند جمهوری اسلامی، در رأی به قانون اساسی، مشارکت در انقلاب اسلامی و تأثیر رأی آن‌ها در انتخاب خاتمی و موارد دیگر، نمونه‌هایی از فعالیت‌های سیاسی آن‌ها به حساب می‌آید. اما این فعالیت‌ها نتوانسته زمینه ورود آن‌ها به ساختار سیاسی را فراهم کند.

موضوع پژوهش حاضر بررسی فعالیت‌های زنان در زمینه سیاسی از انقلاب مشروطه تا دوران حاضر می‌باشد. در این پژوهش تلاش شده است تا نقش و اقدامات زنان به طور اخص فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آنان مورد بررسی قرار گیرد، به دلیل توجه به ریشه‌های تاریخی حرکت زنان، دامنه تحقیق به عقب برگشته و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان از آغاز مشروطیت تا دوران حاضر به صورت فشرده بررسی شده است. به لحاظ مکانی، پژوهش حاضر به تاریخ مشارکت سیاسی زنان در ایران معاصر و تحولات سیاسی و اجتماعی آن‌ها پیوند می‌خورد. در واقع این تحقیق از نظر مکانی و گستره جغرافیایی با ایران سروکار دارد.

در این پژوهش، تمرکز بر این است که جنبش مشارکت خواهی زنان برای کسب مناصب عالی سیاسی را از انقلاب مشروطه تا دوران حاضر، سیر تحولات جنبش برابری طلبی آن‌ها، نوع نگاه و برداشت گفتمان‌های حاکم بر این جنبش و جایگاه زنان در بدنه سیاسی کشور (مناصب کلان سیاسی) و تأثیرات و موانع و محدودیت‌های عرفی و قانونی که برای آن‌ها وجود دارد، مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم. همچنین با تهیه پرسشنامه و مصاحبه با افراد مطلع، موانع و محدودیت‌هایی که از نظر قانونی، عرفی برای مشارکت سیاسی و اجتماعی نیمی از جمعیت کشور اعمال می‌شود را شناسایی کنیم. بنابراین محقق قصد واقعه‌نگاری تک تک مسائل مربوط به موقعیت و فعالیت‌های زنان را ندارد، بلکه سیر مشارکت خواهی سیاسی زنان را از جنبه علمی و با استفاده از دیدگاه‌های مختلفی که در این زمینه وجود دارد، مورد بررسی قرار می‌دهد، امید است این تحقیق بتواند به عنوان منبعی در جهت پرکردن خلأ ناشی از کمبود منابع و بحث‌های تحلیلی در زمینه مشارکت طلبی اجتماعی زنان باشد.

۲. هدف تحقیق

در این تحقیق درصدد هستیم تا با بررسی سیر تحولات جنبش مشارکت خواهی سیاسی زنان از انقلاب مشروطه تا زمان حاضر مشخص نماییم که چگونه برداشت‌های خاص در ایران می‌تواند، جهت‌دهی مشارکت سیاسی زنان را در عرصه قدرت سیاسی تحت تأثیر قرار دهد. با بررسی دوره‌های مختلف فعالیت‌های آن‌ها در صورت امکان می‌خواهیم به برداشتی کلی از این موضوع دست یابیم. همچنین در صدد هستیم به شناسایی موانع و محدودیت‌های عرفی و گاه قانونی فعالیت‌های سیاسی زنان، پردازیم، تا روشن شود این عوامل تا چه اندازه بر این حرکت تأثیرگذار هستند.

۳. علل انتخاب موضوع

نویسنده از مدت‌ها قبل نسبت به مطالعه فعالیت‌های اجتماعی زنان و موانع و محدودیت‌هایی که برای آن‌ها در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه و تبعیض‌هایی که در فرهنگ ایران برای زنان وجود داشته، علاقمند بوده و بر همین اساس تحقیقات زیادی را در طول دوره دانشجویی به این موضوع اختصاص داده است. در این رابطه موضوع بررسی موانعی که پیش روی مشارکت سیاسی زنان در کسب مناصب عالی سیاسی بیش از موضوعات دیگر مورد توجه نویسنده رساله قرار داشته است. از سوی دیگر اهمیت موضوع در جامعه و نیازی که در جامعه برای روشن شدن این مطلب وجود دارد، نیز حائز اهمیت است.

نویسنده این رساله در صدد پاسخ به این دغدغه فکری خود می‌باشد که "موانع و محدودیت‌های که زنان در ایران برای شرکت در مناصب عالی سیاسی با آن روبرو هستند، چه مواردی را شامل می‌شوند؟" لذا بررسی این موضوع را، به دلایل متعدد در خور توجه و اهمیت یافته است.

۴. ادبیات موضوع

نخستین بار مورگان شوستر^۱ آمریکایی مستشار مالی دولت جدید ایران، گزارشی از نقش زنان در ایجاد انجمن‌های سری در جریان انقلاب مشروطه ارائه داد (اختناق ایران، ۱۳۳۰ق/۱۹۱۲م). تقریباً شصت سال بعد در پی چهار پژوهش، اطلاعات جدیدی از نقش زنان در انقلاب مشروطه و فعالیت‌های آنان در دوره حکومت پهلوی بدست آمد. در سال ۱۳۴۷ بدرالملوک بامداد، جلد اول کتاب «زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید» و در سال بعد جلد دوم آن را انتشار داد. در طی همین سال‌ها قمری قویمی^۲ کارنامه «زنان مشهور ایران از قبل از اسلام تا عصر حاضر» را به رشته تحریر درآورد. در سال ۱۳۵۱ پری شیخ‌الاسلامی کتاب «زنان روزنامه نگار و اندیشمند ایران» را نوشت و در سال ۱۳۶۰ عبدالحسین ناهید «زنان ایران در جنبش مشروطه» را به رشته نگارش درآورد. در طی سال‌های اخیر هم تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته است. از جمله می‌توان به پژوهش‌هایی که ژانت آفاری^۳ در این باره انجام داده است، اشاره کرد. در سال ۱۳۳۷ رساله کوچکی از وی به عنوان «انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه» توسط جواد یوسفیان ترجمه گردید. یک‌بار دیگر این رساله در سال ۱۳۷۹ توسط رضارضایی در کتابی با عنوان انقلاب مشروطه ایران دقیق‌تر و روان‌تر ترجمه گردید. در سال ۱۳۸۰ مراد علی توانا کتابی در دو جلد با عنوان «زن در تاریخ معاصر ایران» انتشار داد. در سال ۱۳۸۱ محمد حسین خسرو پناه کتاب «هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی» را نوشت. باز در همین سال صدیقه ببران «نشریات ویژه زنان» را انتشار داد که به بررسی سیر تاریخی فعالیت‌های جنبش زنان ایران پرداخته و حدود ۳۰ صفحه می‌باشد. همچنین در برخی مقالات جنبه‌های جزئی‌تری از فعالیت‌های زنان در ایران معاصر بررسی شده است.

^۱ Morgan Shoster

^۲ خشایار وزیری

^۳ Janet affari

یکی از پژوهشگران به نام دهنوی معتقد است که شمار زیادی از زنان در طول تاریخ ایران زمین بدون پی بردن به نابرابری و تبعیض های موجود، به زندگی روزمره خود ادامه داده و می دهند؛ و این واقعیت نابرابر، زمانی موجب احساس نابرابری در آنها شده است که آنان از طریق تحصیل و بالا رفتن سطح آگاهی به نوعی به خود آگاهی رسیده اند (دهنوی (۱۳۸۴). ۱۶).

از یک طرف براساس تحقیق Ocnnor می توان فرض کرد که زنان خود چنین مانعی را می پذیرند و از آن استقبال می کنند، ولی ترجیح می دهند که به دلیل مسائل خانوادگی تلاشی برای دست یافتن به برابری و آزادی در مقابل مردان نداشته باشند و در واقع ترجیح می دهند انرژی و وقت خود را صرف کارهای کم مخاطره کنند (Ocnnor. (۲۰۰۱).

از سوی دیگر موضوع را می توان به صورت دیگری می توان مطرح کرد؛ در این حالت تصور می شود که تمایل و توان زنان برای مشارکت سیاسی و اجتماعی در طول تاریخ در حد مردان و یا گاهی بهتر از آنان بوده است، اما محیط جامعه این فرصت را از آنها سلب کرده است. به عبارتی، علت ایجاد این مانع نامرئی، بیشتر جنسیت و موانع فرهنگی، عرفی، قانونی و... به آن است تا عدم توانایی بانوان.

اسفیدانی معتقد است، سلطه مردان بر ساختارهای سیاسی و اجتماعی در طول تاریخ سبب شده است که فرهنگ و زبان مردانه گسترش یابد و نوعی مرد سالاری شکل گیرد که باعث می شود، زنان از رشد و ترقی باز مانند و نتوانند همپای مردان در سطوح عالی تصمیم گیری ارتقا یابند (اسفندیانی (پیشین): ۸۰).

اما روی هم رفته باید گفت: تأکید و تکیه اصلی تحقیقات صورت گرفته بر نقش زنان در حاکمیت پهلوی یا پیش از آن در انقلاب مشروطه پرداخته شده و بیشتر در حول و حوش این دوره تاریخی می - چرخند و اما مشارکت سیاسی زنان برای شرکت در قدرت سیاسی از ابتدا تاکنون، از وجود یک منبع کامل که همه دوره های زمانی^۴ را شامل شود رنج می برد. از این رو تکیه اصلی تحقیق حاضر بر بررسی علل اصلی عدم مشارکت سیاسی زنان در قدرت سیاسی ایران در دوره زمانی، از انقلاب مشروطه تا دوران حاضر می باشد که در هیچ کدام از تحقیقات قبلی به این صورت بررسی نشده است و همین نکته، رساله حاضر را از تحقیقات قبلی متمایز می سازد.

^۴ انقلاب مشروطه، دوره پهلوی اول و دوم و دوره حکومت جمهوری اسلامی

۵. سوال اصلی

با وجود فعالیت روزافزون زنان در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی ایران بدنبال انقلاب مشروطیت، همچنان موانعی پیش‌روی مشارکت سیاسی زنان وجود دارد که نابرابری آنان را در مقایسه با مردان افزایش داده است. برای دستیابی به علت این موضوع سوال اساسی پژوهش حاضر را بدین شرح طرح کردیم:

" اصلی ترین موانع مشارکت سیاسی زنان در تصدی مناصب عالی سیاسی در ایران از انقلاب مشروطه تاکنون چه بوده است؟ "

سوالات پژوهشی

سوال‌هایی که در انجام این تحقیق قصد پاسخگویی به آن‌ها را داریم به این ترتیب می‌باشند:

۱. جایگاه سیاسی زنان در تاریخ معاصر ایران چگونه بوده است؟

۲. مشارکت سیاسی زنان در دوران مشروطه چگونه بوده است؟

۳. مشارکت سیاسی زنان در دوران پهلوی اول و دوم چگونه بوده است؟

۴. مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی چگونه بوده است؟

۵. اصلی ترین موانع پیش‌روی مشارکت سیاسی زنان در عرصه سیاسی شامل چه مواردی بوده است؟

۶. فرضیه اصلی تحقیق

فرضیهٔ اهم این تحقیق عبارت است از:

" هر چند عوامل محدود کنندهٔ مختلفی را می‌توان برای نابرابری مشارکت سیاسی زنان در قدرت سیاسی ذکر کرد، اما محدودیت‌های عرفی و گاه قانونی حاکم، نقش مهم‌تری را در کاهش و دستیابی زنان ایرانی برای کسب مناصب عالی سیاسی از انقلاب مشروطه تاکنون، ایفا می‌کنند."

۷. مفاهیم کلیدی تحقیق

نویسنده معتقد است: روشن شدن مفاهیم **جنبش زنان و مشارکت سیاسی** که در بیشتر مباحث تحقیق حاضر دیده می‌شود، می‌تواند به خواننده در درک بهتر موضوع یاری رساند. هرچند اغلب تلاش برای ارائه تعریف بسیار دقیق و کامل در حوزه علوم انسانی منجر به شکست می‌شود، اما از طرفی بدون ارائه تعریف نیز انسجام موضوع از بین خواهد رفت و اختلاط میان مفاهیم مختلف و بعضاً متضاد به وجود خواهد آمد.

الف) جنبش زنان^۸

جنبش زنان، جنبش اجتماعی است که دارای وجوه گوناگونی است و خواستار حقوق و فرصت‌های برابر برای زنان در عرصه‌های مختلف زندگی شخصی، فعالیت‌های اقتصادی و سیاست می‌باشد. در واقع این جنبش را به مثابه «موج دوم» جنبش فیمینیسم می‌شناسند. موج اول فیمینیسم خواستار برابری در برابر قانون بود و مطالباتی چون حق رأی را پیش می‌برد، اما موج دوم فیمینیسم که به عنوان «جنبش زنان» شناخته می‌شود، مشخصاً در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی شکل گرفت و تمام حوزه‌های تجربیات زنان (اشتغال، خانواده و جنسیت) را تحت تأثیر قرار داد. در واقع پس از پایان جنگ جهانی دوم، زندگی زنان در کشورهای پیشرفته شدیداً تغییر پیدا کرد. پیشرفت فن‌آوری‌های مربوط به خانه‌داری باعث شد که زنان از بند این فعالیت‌ها آزاد شوند و زمان فراغت بیشتری فراهم آمد، همچنین توقعات نسبت به زندگی بسیار افزایش پیدا کرد. چنین نگرش‌هایی در اروپا و آمریکا فراگیر شد و با جنبش‌های زنانه‌ای که در این کشورها صورت می‌گرفت، قانون‌گذاران مجبور شدند، در تدوین قوانین جزائی و مدنی، برابری حقوق زن و مرد را عملاً بپذیرند. این موج اندیشه به زودی از غرب به شرق نفوذ یافت، کسانی از شرق که برای تجارت، تحصیل یا سیاحت به غرب می‌رفتند، در بازگشت مبلغ افکار برابری خواهانه در سرزمین‌های خود می‌شدند. به تدریج این امواج فکری به ایران نیز کشیده شد و در ایران نیز، وضعیت و جایگاه زنان در جامعه مورد انتقاد شدید روشنفکران قرار گرفت و آن‌ها خواستار حقوق و آزادی‌های بیشتری برای زنان شدند (Ritzer (۲۰۰۵):۶۱۳).

^۸ - Women Movement

از این رو، جنبش اجتماعی زنان در ایران به جنبش اجتماعی زنان ایرانی در دوره‌های مختلف، برای به دست آوردن حقوق سیاسی خود تلاش آنان برای از بین بردن موقعیت فرودست زنان گفته می‌شود. نمونه این پدیده در سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۳۱۱ دیده می‌شود.

ب) مشارکت سیاسی^۶

مشارکت سیاسی، ترکیب وصفی است که دخالت مردم در امور سیاسی یعنی حکومت‌داری را معنا می‌کند. مشارکت سیاسی در پی فرایند اجتماعی شدن انسان‌ها و دخالت در امور مدیریت سیاسی کشورها وارد ادبیات سیاسی نظریه پردازان دنیای سیاست شد. ایده مشارکت در این شعار خلاصه شده است: «هر آنچه که به همه مربوط است، باید توسط همه مورد تصمیم‌گیری قرار گیرد» اما تعریف کلی‌تر مشارکت به این معنا است که بخشی از فعالیت یا رخدادی قرار بگیریم. مشارکت نوعی کنش جمعی است و بر اساس منطق چنین کنش‌هایی نیز مورد سنجش قرار می‌گیرد (Scranton (۲۰۰۷): ۵).

این نوع کنش جمعی اغلب تحت تأثیر محرکه‌ای چون انگیزه‌ها و دانش افراد قرار دارد. مشارکت همیشه به معنی انجام فعلی نیست. در بسیاری از موارد «موافقت» نیز به مثابه مشارکت مدنظر قرار می‌گیرد. سطح کلی مشارکت در یک جامعه میزانی است که افراد به مثابه یک کل در سیاست فعال باشند (Ibid, p ۵۹۹). تا آنجا که به سیاست مربوط می‌شود، مسئله مشارکت به قدمت طرح مفهوم دموکراسی است. اما از جنگ جهانی دوم به بعد، دامنه آن به حوزه‌های غیرسیاسی نیز کشیده شده است، از جمله به آموزش عالی. دانشجویان در اواخر دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در اروپا و آمریکا خواستار شرکت در تصمیم‌گیری‌های آموزشی بوده‌اند و از آن مهم‌تر در حوزه صنعت و اقتصاد، کارگران و کارمندان چنین در خواستی دارند. آنچه یک کنش اجتماعی را به مشارکت سیاسی تبدیل می‌کند، دارای قدرت بودن است که شرط ضروری و یا منطقی یک کنش سیاسی درست است. اگر فردی توسط فردی نیرومند در رأی دادن شرکت کند، به هیچ معنای محصلی به مشارکت دست نزده است (McLean (۲۰۰۳): ۳۹۶).

۸. متغیرها

متغیرهای پژوهش حاضر که نشان‌دهنده رابطه علی بین دو متغیر می‌باشند، عبارتند از:

^۶ - Political participation

الف) متغیر وابسته: مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان

ب) متغیر مستقل: قوانین و نظام عرفی حاکم در ایران

بنابراین نوشتار حاضر در یک بررسی علی به دنبال این هدف است که مشخص کند تا چه حد متغیر مستقل قوانین و نظام عرفی حاکم در ایران بر متغیر وابسته مشارکت سیاسی زنان تأثیر می‌پذیرد. بنابراین آزمون فرضیه عبارت خواهد بود: **بررسی مشارکت سیاسی زنان و اینکه تا چه اندازه قوانین و نظام عرفی حاکم در جامعه کنونی ایران بر مشارکت خواهی زنان در قدرت سیاسی تأثیرگذار بوده است.**

۹. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش با توجه به موضوع آن روش کتابخانه‌ای، میدانی است و مواد منابع مورد استفاده در آن عمدتاً به چند دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول شامل روزنامه‌ها، اسناد و مدارک، دسته دوم: شامل کتاب‌ها، مقالات، خاطرات و سفرنامه‌ها و دسته سوم آمار و سالنامه‌های تحصیلی می‌باشند. مواد منابع مورد نیاز این تحقیق از کتابخانه مرکزی، مرکز اسناد دانشگاه تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سازمان اسناد ملی ایران، کتابخانه وزارت امور خارجه و سایت‌ها و مراکز تحقیقاتی معتبر دیگر بدست آمده است.

محقق پس از گردآوری اطلاعات به مقایسه و تحلیل رویدادها با توجه به موازین منطقی پرداخته است. همچنین اطلاعات بدست آمده، با توجه به متونی که بیشتر تاریخی و سیاسی است و وقایع را تشریح می‌کند، تنظیم گردیده است. برای انجام پژوهش حاضر، نگارنده در مجموع ۱۶ ماه زمان صرف کرد. قسمت اصلی و زمان بر تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات بود که حدود ۱۲ ماه از زمان تحقیق را در بر گرفت. تحلیل و تفسیر، بررسی منابع، نتیجه‌گیری و مطالعات میدانی و تدوین هم مدت زمان باقی را به خود اختصاص داد. از آنجا که قسمت مهم این پژوهش براساس منابع مختلف و مدارک و اسناد گوناگون صورت می‌گرفت، دارای مشکلاتی نیز بود. تناقض در نظام اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌ای و مخصوصاً عدم وجود مجموعه واحد از آرشیو روزنامه‌های مورد نیاز از جمله مشکلات اساسی برسرراه تحقیق حاضر بود. از این‌رو در این رساله از منابع روزنامه‌ای موجود استفاده شده است و در برخی قسمت‌ها با کمبود منابع مواجه هستیم. در واقع ما در این رساله فقط به داده‌های کتابخانه‌ای اکتفا نخواهیم

کرد؛ بلکه تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی را بکار خواهیم گرفت. در کنار مطالب یاد شده برای اثبات تحقیقات خود از پرسشنامه پژوهشگر ساخته نیز استفاده شد.

۱۰. نتایج علمی قابل پیش بینی از تحقیق

انتظار می‌رود در پایان این پژوهش به نتایج زیر دست یابیم:

۱. فراز و فرودهای جنبش مشارکت‌خواهی زنان در ایران، مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.
۲. مراحل که مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان برای حضور در اجتماع و کسب مناصب سیاسی طی کرده است، مورد مطالعه قرار گیرد.
۳. شایان ذکر است، این تحقیق می‌تواند به عنوان منبعی در جهت پرکردن خلأ ناشی از کمبود منابع و بحث‌های تحلیلی در زمینه جنبش سیاسی و اجتماعی زنان باشد.
۴. امید است در این رساله محدودیت‌های جنبش مشارکت طلبی زنان ایران در جهت کسب مناصب عالی سیاسی، مورد کنکاش قرار گیرد.

۱۱. سازمان‌دهی تحقیق

محقق در این نوشتار برای اثبات فرضیه خود ابتدا به سوالات فرعی جواب خواهد داد. به همین خاطر پس از بیان طرح تحقیق، در یک بحث نظری ابتدا به بررسی سیر تاریخی جنبش زنان برای مشارکت سیاسی از انقلاب مشروطه پرداخته، تا به یک پیشینه مشخص از شروع این جنبش دست پیدا کند. سپس در بخش دوم و سوم به بررسی مشارکت سیاسی زنان در قبل و بعد از انقلاب می‌پردازیم. در فصل چهارم و پنجم به ترتیب موانع و محدودیت‌هایی که از نظر قانونی و عرفی برای مشارکت سیاسی زنان اعمال می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل ششم نتایج مورد آزمایش و مطالعه میدانی قرار می‌گیرد. تمام تلاش گردآورنده این رساله رسیدن به نتیجه‌ای برای مشخص نمودن موانع و محدودیت‌هایی است که در برابر زنان برای رسیدن به مناصب عالی سیاسی وجود دارد. امید است این رساله چراغ راهی برای آیندگان باشد.

فصل اول

تبلور مشارکت خواهی

سیاسی زنان

در ایران

اصولی که روابط اجتماعی میان زنان و مردان را تنظیم می‌کند و بر مبنای آن یک جنس تحت انقیاد قانونی جنس دیگر قرار می‌گیرد، از اساس نادرست است و باید به جای این اصل، اصل دیگری نشانند که بر برابری کامل بین زن و مرد بنیاد گرفته باشد، تا هیچ یک بر دیگری برتری ندهد و هیچ یک را ناتوانتر نشمرد.

جان استوارت میل

دانشمندان معتقدند که بیش از دویست و پنجاه هزار سال است که از تکامل انسان اندیشمند^۷ می‌گذرد، انسانی که توانایی ابزارسازی داشت و می‌توانست تا حدی از استدلال در حل مسائل استفاده کند. از چنین زمانی و حتی پیش از آن همواره دو جنس در کنار یکدیگر بوده‌اند: جنس برتر و جنس ضعیف! در طول ۲۵۰۰ قرن، البته زنانی پا به عرصه گذاشته و نشان داده‌اند که در انجام امور از حکومت بر سرزمین گرفته تا سخنوری و شاعری در حد و توانایی جنس دیگر هستند. اما به جز چنین استثنائاتی، روند کلی تاریخ بشر به شیوه‌ای بوده که خواسته یا ناخواسته، جنس مؤنث همواره جنس ضعیف و یا «جنس دوم» تلقی می‌شده‌است. تنها کمی بیش از سه قرن است که زنان به صورت گسترده و خودآگاه برای تغییر چنین وضعیتی قدم پیش نهادند. سرآغاز این حرکت ابتدا در مغرب زمین بود. ولی تدریجاً مرزهای آن گسترده شده و به دیگر سرزمین‌ها رسید. یکی از کشورهایی که تحت تأثیر امواج این حرکت قرار گرفت و تلاش کرد که از آن الهام بگیرد، ایران بود (ژاکار (۱۳۸۰): ۱۲).

اگر چه به نظر می‌رسد زنان ایرانی در جریان زندگی دشوار و پرقید خود همواره بیش از مردان معروض محدودیت‌های گوناگون بوده‌اند، به ندرت مجال یافته‌اند تا در امور جامعه شرکت جویند و نیروی عظیم خویش را در توسعه و تغییرات اجتماعی به کار اندازند. اما این سرنوشت باعث شده است که از یک سو، شور زندگی خواهی زن‌ها خفه و خاموش شود و از سوی دیگر در همین وضعیت نامطلوب و مقرون به تیره روزی با مردان مقایسه شوند و مورد داوری تاریخ قرار گیرند. اما جای بسی

^۷Homo Sapiens

خرسندی است که شرایط پیشین در حال تغییر است و زنان ایران، نیز همانند سایر کشورها به دولت بیداری دست می‌یابند و برای نیل به حقوق طبیعی و اجتماعی خود می‌کوشند. بر این اساس ملاحظه می‌کنیم، حدود یک قرن پیش یعنی مقارن انقلاب مشروطیت، زنان ایرانی نیز پیکاری خردمندانه و دامنه‌دار دست می‌یازند و مطالبات خود را در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیش می‌نهند و بر تحقق آن تأکید می‌ورزند (آفاری (۱۳۷۷): ۵).

در واقع مشارکت‌خواهی زنان ایران از تاریخچه‌ای طولانی و دراز برخوردار بوده که با نهضت مشروطه پیوند می‌خورد و در مسیر تاریخی حرکت خویش در مواجهه با حوادث نهضت مشروطه و نیز مسائل جاری در حکومت پهلوی اول و دوم و سپس حکومت جمهوری اسلامی به سمت تکوین و تکامل خویش رانده می‌شود. البته پویش زنان ایران برای مشارکت در بعد سیاسی فقط یک جریان منفعل نبوده و همچنان که از جریانات تاریخی متأثر است، فعلاً نه بر این جریانات نیز اثرگذار بوده و از آن تأثیر داشته است.

بر اساس شواهد تاریخی مطالبات زنان در دوران مشروطه معطوف به خواسته‌های ابتدایی و اولیه همچون حق سوادآموزی، حق ورود به صحنه‌های اجتماعی و سیاسی و نیز واژگونی دیدگاه‌هایی است که آنان را در رده حیوان، اطفال و یا دیوانگان قرار می‌دهد. اما این جریان در سیر تکاملی خویش خواسته‌های اساسی‌تری را طرح می‌نماید که بر اساس عوامل زمینه ساز آن قابل درک و تبیین می‌باشد، چرا که عوامل موجد مشارکت فعلاً نه زنان در امور سیاسی در یک بستر تاریخی محقق گردیده است که گاه خارج از حوزه مسائل زنان جریان داشته و در حد یک عامل زمینه‌ساز قابل درک و تبیین می‌باشد. البته جریانات تاریخی و داخلی جامعه که زمینه بروز جریان نهضت زنان را فراهم ساخته است، نباید از جریانات خارجی تأثیرگذاری چون انتشار اندیشه‌های فمینیستی و آشنایی با الگوهای دیگر زندگی بواسطه عملکرد رسانه‌ها در بستر زمینه‌های اطلاعاتی جوامع امروز چشم‌پوشی نمود و آن را نادیده انگاشت (راکعی (۱۳۷۷): ۱۵۸). در هر صورت در بررسی جریانات تاریخی و اجتماعی داخلی جامعه ما، به عنوان عوامل زمینه ساز جنبش برابری‌خواهی زنان در ایران معاصر، بررسی مقاطع تاریخی ضروری به نظر می‌رسد، در این راستا به بررسی این حرکت خواهیم پرداخت.

۱. جایگاه اجتماعی زنان در ایران

زنان را می‌توان حاشیه نشینان تاریخ دانست. آنان ناظران بی‌آزار تحوّل و تمدن بوده‌اند و جدا از برخی استثنائات اندک، قانون کلی این است که زن کمترین نقشی در تحولات سیاسی و اجتماعی که جهت گیری تاریخ را مشخص کند، نداشته است. در تاریخ ایران زنان به عنوان عنصری مجزا از جامعه تلقی می‌شده‌اند و معمولاً با القاب ناقصه، ضعیف‌العقل خطاب می‌گردیدند. با توجه به این واقعیات، روشن است که منابع تحقیقاتی در این زمینه بمراتب محدودتر از زمانی می‌باشد که بخواهیم درباره مرد یا به طور کلی انسان و جوامع بشری صحبت کنیم. چنان‌که برخی از محققان گفته‌اند «تاریخ جهان به اعم و تاریخ ایران بویژه تاریخ مذکر است. تاریخی است که در آن مردان بوجود آورنده ماجراها، سازندگان تاریخ، هدایت کنندگان آن و حتی خود نویسندگان شرح رویدادها نیز بوده‌اند». طبیعی است که بررسی و پژوهش درباره زن با توجه به مجموعه اسناد و مدارکی که ساخته و پرداخته مرد است، بسیار دشوار خواهد بود (شیخ الاسلامی (۱۳۵۱): ۱۱). اگرچه آیات و بینات قرآن اساساً بین زن و مرد هیچ تفاوت خاصی از لحاظ ارزشی قائل نشده‌اند، با این حال در دنیای اسلام، زن اساساً جزو اموال و دارایی‌های مرد محسوب می‌گردید و به راحتی قابل خرید و فروش بوده است. در فرهنگ و ادبیات ایران پس از اسلام با تأسی از چنین دیدگاه‌هایی زن جایگاه شایسته‌ای پیدا نکرد. شعر کلاسیک ایران نیز معمولاً زن را با صفات یارو دلدار و دلبر معرفی کرده‌اند و غالباً نیز زن عنصری مکار و خیانتکار و بی‌وفا تلقی شده است. در اشعار و نثرهای ادبیات فارسی بندرت می‌توان مطالبی را یافت که بازن آن چنان که شایسته و سزاوار مقام اوست، برخوردار شده باشد (آرین پور (۱۳۷۱): ۴). ملت‌های دیگر جهان نیز زن را عنصری شیرین، خطرناک و کم عقل دانسته‌اند. حتی در تورات آمده است که زن تلخ‌تر از مرگ است و در باب مواعظ این کتاب آمده است که هرکس نزد خدا محبوب است، خود را از شرزن محفوظ خواهد داشت. چنینان نیز اعتقاد داشتند: حرف زن را باید گوش داد، ولی نباید به آن اعتماد نمود. روس‌ها نیز می‌گفتند: هر ده زن دارای یک روح است و رومی‌ها اعتقاد داشتند که اسب بد باشد یا خوب مهمتر لازم است، زن هم خوب باشد یا بد چوب لازم است (راوندی (۱۳۵۷): ۶۵۱). عقاید دیگری نیز راجع به زن وجود داشت. در این عقاید انحرافی معمولاً زنان را به شیطان تشبیه می‌کردند. چنان‌که انگلیسی‌ها می‌گفتند: زنان دام شیطانند (الهی (بی تا): ۱۷۴). در نروژ هم این ضرب‌المثل رایج بود که می‌گفت: وقتی شیطان از عهده کاری بر نیاید، زنی را می‌فرستد (همان: ۱۸۶). مردم رومانی نیز اعتقاد داشتند که حتی بهترین زنان دنده‌ای

از شیطان دارند. در این میان فنلاندی‌ها می‌گفتند: خداوند جهان را با زنان و گرگان خراب کرد (آرین پور) (همان: ۱۵۹). هندی‌ها هم زن را دروازه اصلی دوزخ می‌دانستند (الهی) (همان: ۱۹۵).

۲. طلایه داران جنبش زنان

در آغاز دوره قاجار، حکومت ایلی با تمام مشخصه‌های خود، به دست آغا محمدخان استقرار یافت، اما به تدریج تحولات سیاسی جدیدی شکل گرفت تا جایی که در اواخر این دوره، یعنی در زمان احمدشاه، از یک نظام سلطنتی مطلقه مشروطه تغییر یافت. مسلماً تحولات ساختار حکومت، بدون تغییرات در فرهنگ، به خصوص فرهنگ سیاسی، غیرممکن بود. در همین اوان، با پیدایش فرقه‌هایی نظیر: بابیه و بهائیه تحولی در نقش زنان بر اساس مدل غرب شکل گرفت. اما در لوای نوعی بدعت مذهبی. در اینفرقه‌ها، بی‌حجابی و دیگر رسوم غربی، برای زنان تبلیغ می‌شد؛ اما با سرکوب این فرقه‌ها به دلیل فتنه‌های سیاسی که برانگیختند، اصلاحات آنان نیز به محاق رفت. در نیمه دوم دوره قاجاریه، با خیزش‌های اجتماعی متعددی مواجه هستیم که نهضت تنباکو و انقلاب مشروطه از بارزترین آنان می‌باشند. در این جنبش‌ها، زنان پا به پای مردان وارد صحنه اجتماع و سیاست شدند. نتیجه این مشارکت‌های سیاسی، روشن شدن نگرش زنان توده جامعه در مورد حقوق اسلامی خویش بود. از این رو، مطالبات دینی برای احقاق حقوق شرعی و شکستن قالب مردسالاری، در میان آنان بالا گرفت. به این ترتیب، رعایت موازین شرعی در مورد زنان، از حیطه خانواده‌های طبقه بالای فرهنگی جامعه به عموم مردم نیز سرایت کرد (آفاری) (همان): (۱۶).

در این زمینه زنانی بودند که شعارشان عدالت اسلامی بود. آنان در کلیه عرصه‌های اجتماعی به دنبال اسلام خواهی و استقرار قوانین اسلامی بودند. زنان مسلمان در اوایل سال‌های ۱۳۰۰ه. ق. در حرکات اعتراض آمیز بر سر نان و شکایت از عاملان حکومت، مشارکت فعال داشتند. به قول اعتماد السلطنه: «قریب هزار زن جلوی شاه را گرفتند و از نبود نان فریاد برآوردند» (آدمیت) (۱۳۷۲): (۲۱).

آنان در آغاز و تا پایان جنبش و شورش علیه امتیاز نامه رژی، پا به پای مردان فعالانه در صحنه‌های مختلف حضور داشتند. آدمیت می‌نویسد: «مشارکت گروهی از زنان مشهد در طغیان این شهر، در خور ذکر است؛ گرچه در اهمیت آن نباید مبالغه نمود» (همان: ۶۰). ناهید در این زمینه می‌نویسد: «پس از آنکه حکومت، برای شکستن نهضت مصرانه، تقاضای لغو تحریم تنباکو داشت و حکم کشیدن قلیان در قهوه

خانه‌ها صادر کرد، برخی از علمای معتبر پایتخت همچون: میرزا حسن آشتیانی، شیخ فضل‌الله نوری و دیگران تصمیم به مهاجرت از تهران گرفتند. مردم در محله «سنگلج» ازدحام کردند. در این ازدحام چند هزار نفری، زن و مرد میدان ارگ را پر کردند و چند صد نفری از آنان وارد ارگ شدند» (ناهیید (۱۳۷۷): ۲۶).

شیخ حسن کربلایی نیز این گونه شرح می‌دهد:

«صبح دوشنبه سوم جمادی الثانیه، ابتدا علما و اهل علم دارالخلافه دسته دسته از هر محله رو به محله سنگلج که مقر دارالشرع ملاذالاسلام است، روانه شدند. کم‌کم جمعیت مردم زیاد شد. هنگام ظهر، نوبت به زنان شهر رسید. زنان نیز دسته دسته و فوج فوج جمع آمده، جمعیت آنان نیز انبوه شد. پس از این اجتماع، اولین کار زنان این بود که روانه بازار شدند، هر دکان را گشوده دیدند، بستند، تا جایی که در تمامی بازار شهر به این عظمت حتی یک دکان گشوده نماند» (قرارداد رژی یا تاریخ انحصار دخانیات (بی تا): ۱۱۰، ۱۱۱).

در زمان تحریم نیز عملکرد زنان دربار نیز جلوه شاخصی یافت؛ برای مثال در دربار شاهی قلیان‌های نقره و طلا برچیده شد و در پاسخ سؤال ناصرالدین شاه که پرسیده بود: «که حرام کرده؟» انیس الدوله که در واقع ملکه و بی‌اندازه مورد توجه و علاقه ناصرالدینشاه بود، به وی می‌گوید: «همان کس که مرا به تو حلال کرده است» (تیموری (۱۳۴۰): ۱۰۶، ۱۰۸).

به بیان دیگر، آزرده‌گی ناصرالدین شاه از مبارزه مردم بر سر تنباکو زمانی شدت گرفت که در دربار خودش نیز، زنان استعمال دخانیات را تحریم کردند (لمبتون (۱۲۹۸): ۲۸۳). از این رو به نظر می‌رسد که حرکت زنان، تنها پیروی از مردان نبوده است. به نظر اتحادیه: «زنان با ابراز وطن‌خواهی و شور و اشتیاق به آزادی‌خواهی، کم‌کم از مشکلات خود آگاه شده، خواسته‌های خودشان را به‌خصوص در زمینه‌های فرهنگی مطرح نمودند» (اتحادیه (۱۲۹۸): ۲۹). در واقع حضور زنان در جنبش تنباکو و ورود آن‌ها به عرصه سیاسی، اگر چه همراهی با مردان تلقی گردید، اما زمینه‌را برای حرکت آنان در انقلاب مشروطه و شناخت بیشتر مسائل جامعه و مباحث حقوق مدنی و غیره فراهم نمود.

۳. آغازگاه مشارکت طلبی سیاسی زنان

با وقوع انقلاب مشروطیت در ایران، زنان مجال مناسب‌تری برای حضور در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی یافتند. به نظر می‌رسد که زنان ایران در نهضت مشروطیت که جامعه ایران را تکان داد، تنها، بی‌اعتنا و منفعل نبودند، بلکه همانند مردان به جنب و جوش درآمدند، به طوری که باید گفت: از این تاریخ، بیداری واقعی زنان آغاز شد. از جمله وقایعی که در آن شرکت زنان رادر جنبش مشروطیت عیان می‌کرد، می‌توان به وقایع زیر اشاره کرد. بامداد در این مورد می‌نویسد: «پس از کشته‌شدن نخستین مجاهد مشروطیت، سید عبدالحمید، زنان تهران بودند که به کوچه و خیابان‌ها ریختند و شورشیان را علیه حکومت تشویق کردند. به دنبال تظاهرات برضد مسیو نوز بلژیکی و مهاجرت علما و انقلابیون به قم، زنان بودند که آتش انقلاب را در تهران شعله‌ور نگاه داشتند. همچنین بر ضد قروض خارجی از خود گذشتگی فراوان نشان دادند» (بامداد (۱۳۴۷): ۵، ۴). هنگام بست نشینی تجار در سفارت انگلستان، عده‌ای از زنان نیز تجمع کرده و تقاضای ورود به سفارت را کردند. ولی گرانت داف، وزیر مختار انگلستان، مانع آن‌ها شد. همچنین بدرالملوک بامداد نقل می‌کند که: «زمانی هم که علما در شاه عبدالعظیم متحصن شدند، زنان کالسکه‌ها را فرا گرفته و گریه و زاری کردند که ما آقایان و پیشوایان دین را می‌خواهیم. مامسلمانیم و حکم آقایان را واجب‌الاطاعه می‌دانیم. ای شاه مسلمان، علمای اسلام را ذلیل و خوار نخواهید» (همان: ۶). بنابراین با کمی دقت و بررسی وقایع آن دوران، می‌توان دریافت که زنان معترض ایرانی خود همواره در جریان‌های قبل و بعد از جنبش مشروطیت دخالت مؤثر داشته‌اند، چندان که اعتصاب‌ها را امکان‌پذیر ساخته، از لحاظ مالی و اخلاقی به مشروطه خواهان امداد رسانیده‌اند و از ایشان در برابر نیروهای شاه، دفاع کرده‌اند. برای نمونه در ۱۹۰۵ ه. ق که علمای دینی در حضرت عبدالعظیم متحصن شدند، زنان برای مصون نگه داشتن ایشان از شر نیروهای مسلح دولتی، موانعی انسانی بوجود آوردند. همچنین در تابستان ۱۹۰۶ ه. ق که ایرانیان ملی‌گرا در باغ سفارت انگلیس به بست نشستند، چندین هزار زن کوشیدند که به اعتصاب کنندگان بپیوندند. اما مقامات انگلیسی مداخله کردند و مانع مشارکت ایشان شدند. صفایی نشان داده است که در یکی از اسناد موجود در وزارت امور خارجه ایران در دوران مشروطه که بست نشینی رواج پیدا کرده بود، در یک نامه فوری از سفارت انگلیس به دولت متبوع خویش در خصوص تقاضای زنان به بست نشینی در آن سفارتخانه آمده است: «با کمال احترام، به مستطاب اجل عالی اطلاع می‌دهم که عده بستنی‌های سفارت انگلیس در تهران فعلاً به پنج هزار نفر رسیده... چنین به دوستدار اطلاع رسیده که چندین هزار نفر زن نیز خیال‌پناهندگی به سفارت را دارند؛ ولی دوستدار، حتی المقدور سعی می‌کنم که

بستی‌های آنجاین فقره را ممانعت نمایند...». نامه سفارت انگلیس حاکی از آن است که چندین هزار زن ایرانی قصد داشتند که به بست‌نشینان سفارت انگلیس بپیوندند، ولی «گران‌تداف» کاردار و جانشین وزیر مختار انگلیس جلوگیری کرده است (صفایی (بی تا): ۱۵۴). نمونه دیگر، در آذربایجان، زمانی که سردار ملی ایران، مرحوم ستارخان، علیه استبداد قاجار و سلطه اجنبی قیام کرد، زنان از مساعدت معنوی و مادری به وی دریغ نکردند. در این خصوص اتحادیه می گوید: «بین شهدای انقلابیون جنازه ۲۰ زن مشروطه طلب در لباس مردان پیدا شد» (اتحادیه (۱۳۰۴): ۳۲۴).

از طرفی دیگر مورخان و نویسندگانی چون ناظم الاسلام کرمانی، کسروی، مهدی ملک‌زاده و مورگان شوستر درباره مشارکت زنان در دوره اول و دوم مجلس شورای ملی مطالبی نوشته‌اند که از دو جهت حائز اهمیت بسیار است. اولاً، مشارکت چشمگیر زنان را در یک جریان سیاسی بازگو می‌کند و ثانیاً، اهمیت آنان را از نظر نویسندگانی که به ثبت اخبار مربوط به آن‌ها مبادرت کرده‌اند، می‌نمایاند (همان). نظر به همین فداکاری‌ها بود که وقتی زعمای قم قانون اساسی را تدوین کردند، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را برای قاطبه ملت ایران (قانون اساسی) قائل شدند و به هیچ وجه از محرومیت زنان و عدم دخالت آن‌ها در مسائل حقوقی و سیاسی موردی را ذکر نکردند (بسطامی (۱۳۶۱): ۱۲۶). اما بعدها، یعنی در جمادی الاخر سال ۱۳۲۷ ق، که نظام نامه انتخابات تهیه شد و به صحنه محمد علی‌شاه رسید، در شرایط کسانی که از حق انتخاب کردن مطلقاً محرومند، نوشتند: «نسوان و اشخاص خارج از رشد و آن‌هایی که تحت قیمومت شرعی، ورشکستگان به تقصیر، مرتکبین قتل و سرقت الی آخر». بدین سان، وضعیت حقوقی و قانونی زنان در ردیف افراد فوق‌قرار گرفت (همان). در این میان شماری از زنان روشنفکر ایرانی، گرچه خود حامیان نیرومند مجلس بودند، اما در همان حال ناتوانی مجلس را در حل مسائل اقتصادی تاب نیاوردند و نمایندگان را به باد انتقاد گرفتند و خواستار فرصتی به منظور شرکت در اصلاحات ملی گردیدند. همچنین طی سال‌های ۱۹۰۹ و ۱۹۱۱ درخواست‌های دیگری را پیش کشیدند، مثلاً حق طلاق را که در دست مردان بود و مساله چند زنی و تعدد زوجات را به شدت مورد انتقاد قرار دادند و بر اصلاح آن تأکید ورزیدند (همان: ۶).

در کتاب اسناد مشروطه که در واقع یادداشت‌ها و گزارشات وکیل‌الدوله، منشی مخصوص و وزیر تحریرات و همچنین ندیم مظفرالدین شاه می‌باشد، نوشته شده است که در جریان مشروطه، زنان در مبارزات فعالیت داشته‌اند، به نحوی که این امر برای حکومت، موجبات دردسر فراهم نموده است: از

طرف حکومت غدغن شد که طایفه زن به بازار و بیرون نروند که سربازها هم ممانعت می‌کردند و در دو قراولخانه، در دو محل، گویا سربازها زن‌ها را گرفته و نگاه داشته بودند (همان: ۲۵).

پس از توشیح فرمان مشروطیت از جانب مظفرالدین شاه نیز، زنان ایرانی در دو مسئله مهم روز دخالت کردند: یکی طرح تأسیس بانک ملی و دیگری تحریم منسوجات.

پس از امضای فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی یکی از اصلاحاتی که نمایندگان مجلس اول آن را مورد بحث قرار داده اند، ایجاد یک بانک ملی بود تا بتوان به وسیله آن کمبود سرمایه را حل کرد. ایرانیان برای جلوگیری از دخالت قدرت‌های بزرگ که از طریق وام‌های خارجی تشدید می‌شد، به گردآوری پول برای بانک مورد نظر پرداختند. بنابراین تهیه پول بانک به صورت یک مسئله جدی درآمد. در این میان "سید جمال واعظ" از زنان و مردان خواست، منتهای تلاش خود را برای تأسیس بانک و جمع‌آوری پول مبذول دارند. در این میان زنان جواهرات خویش را که تنها دارایی آن‌ها بود تقدیم کردند. در این دوره گزارش‌های بسیار مهمی از حمایت‌های میهن پرستانه زنان در روزنامه‌ها انتشار یافت. به طوری که در نوامبر ۱۹۰۶، مجلس اعلام کرد که زنان بیوه برای تأمین سرمایه ضروری بانک و پرداخت پول‌های بیشتر از یکدیگر سبقت گرفته اند، درآمد و طلای خود را به مجلس اهدا کرده‌اند. مورد دیگری از موارد مشارکت زنان که آفاری به آن اشاره می‌کند می‌توان به «حمایت ایشان از کالاهای بومی و عدم خرید منسوجات وارد شده اروپایی» اشاره کرد (آفاری (همان): ۱).

زنان فعال در نهضت ملی همچنین در تشویق به استفاده از پارچه‌های ساخت وطن و تحریم منسوجات خارجی نقش اساسی ایفا کردند. روزنامه انجمن^۸ در تاریخ ۲۴ ذیحجه ۱۳۲۴ ق/ ۱۸ بهمن ۱۲۸۵ ش از تبریز گزارش داد: «خواتین مکرمه تبریز قرار گذاشته‌اند که در ایام هفته جمع شده در باب ترتیبات لباس خودشان و غیره صحبت کنند. حتی المقدور سعی نمایند کمتر خود و صاحبانشان را محتاج متاع و منسوجات خارجه کرده از ثروت خودشان نگاهند و در صورت امکان مدتی به همان البسه قدیم قناعت کرده بسر برند تا بلکه به فضل خداوندی و همت مردان غیور فابریک‌ها در مملکت ایران تشکیل یابد که از احتیاج خارجه به کلی بی‌نیاز شوند» (روزنامه انجمن (سال دوم) شماره ۴۱: ۴).

^۸ روزنامه‌ای که به دست زنان در این زمان به چاپ می‌رسیده است.

از طرفی زنان دوره قاجار با مقایسه شرایط زندگی خود با زنان اروپایی و همچنین شناخت ایدئولوژی‌ها و تفکرات آزادی‌خواهانه و برابری جویانه غربی، شرایط زندگی خود را اسفبار دیدند و ریشه مشکلات خود را در بی‌سوادی یافتند. به همین دلیل عمده‌تاً در دو جهت حرکت کردند: اول، تأسیس مدارس دخترانه، تأسیس روزنامه‌های مربوط به زنان و نوشتن مقالات، دوم، تلاش در جهت تغییر در قوانین موجود برای رفع موانع قانونی از طریق تشکیل انجمن‌های زنانه برای رسیدن به اهداف خود. از همین روی صفایی معتقد است که: «تأسیس مدارس دخترانه و درج مقالات در روزنامه‌ها نیز خود متقابلاً در بسط و نشر این عقاید تأثیر به‌سزایی داشته است» (صفایی (بی تا): ۱۵۴).

زنان در تبریز نیز طی اجتماعی، ضمن تحریم کالاهای بیگانه از مردم خواستند که برای مدتی لباس‌های کهنه‌خود را بپوشند و امیدوارانه به تولید منسوجات داخلی چشم بدوزند. جنبش ملی‌گرایی در اعلامیه خود از مردان خواست که اثبات غیرت و حفظ ناموس خویش به جنبش بپیوندند و علیه بی‌اخلاقی، خودکامگی، فقر و بی‌قانونی نبرد کنند. در این اعلامیه گفته شد که به سبب اینکه مردان ایرانی از عرصه مسئولیت‌های اجتماعی خود را کنار کشیده‌اند، ضرورتاً نسوان ناتوان و زمین‌گیر، نومید و فرزندان خردسال ملت معروض زورگویان و استثمارگران خارجی و داخلی شده‌اند. بنابراین حتی اگر بسیاری از مردان مشروطه‌خواه می‌خواستند که از موقعیت در جهت تحقق آرمان خود سود جویند، دیگر با توجه به سیاسی‌شدن زنان و مشارکت ایشان در جنبش ملی، چنین امر میسر نمی‌گردید (همان: ۲).

مورگان شوستر^۹ (۱۹۴۵) اقتصاددان آمریکایی که پس از انقلاب مشروطیت مدتی در ایران زیسته است، در اثر معروف خود موسوم به اختناق ایران که برای اولین بار در سال ۱۹۱۲ میلادی انتشار یافت، برای نخستین بار گزارشی مشروح از فعالیت‌های زنان ایرانی و انجمن‌های نیمه‌سری آن‌ها در خارج از ایران منتشر کرده است. وی تلاش‌ها و خدمات ارزشمندی را که زنان ایرانی در جهت تحقق انقلاب مشروطیت به عمل آورده‌اند رامی‌ستاید و معتقد است:

«زنان محبوب ایرانی که تجربه سیاسی و اجتماعی چندانی نداشته، یک شبه ره صد ساله پیمودند و به کارهایی چون معلمی، روزنامه‌نویسی، تأسیس باشگاه زنان و مبارزات سیاسی دست زدند، سرانجام طی

^۹Morgan Shuster